

## وضعیت شهروندی در شهر سنندج و عوامل مؤثر بر آن

امید قادرزاده\*، کاوه شبان\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۷

### چکیده

مقوله شهروندی پیوند ذاتی با سیاست دموکراتیک دارد و از شاخص‌های بنیادین ادغام اجتماعی در جوامع چند فرهنگی به‌شمار می‌رود. بررسی حاضر با هدف واکاوی وضعیت شهروندی و گونه‌های شهروندی آن با تأکید بر حقوق و تکالیف شهروندی در بین شهروندان سنندجی به انجام رسیده است. این پژوهش به روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه در مورد ۴۰۰ نفر از شهروندان سنندجی در بازه سنی ۱۸ تا ۵۴ سال به انجام رسیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین وضعیت شهروندی (برخورداری از حقوق شهروندی و عمل به تکالیف شهروندی) در نزد پاسخ‌گویان معادل ۶۲/۶ درصد بود که بر مبنای یک مقیاس صفر تا ۱۰۰ متوسط ارزیابی می‌شود. در میان گونه‌های شهروندی نوع غالب فعال (۳۷)

\* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان و پژوهشگر پژوهشکده کردستان‌شناسی (نویسنده مسئول).

o.ghaderzadeh@uok.ac.ir  
shaban.kaveh@yahoo.com

\*\* کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان.

درصد) بوده و جهت‌گیری شهروندی حقوق محور (۱۵ درصد) در پایین‌ترین سطح قرار داشته است. تحلیل رگرسیونی چندمتغیره نشان می‌دهد که وضعیت شهروندی به ترتیب شدت رابطه با منابع در دسترس شهروندان، هویت اجتماعی در ابعاد ملی و قومی، سرمایه اجتماعی و بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی مربوط است. متغیرهای مذکور در مجموع ۶۵/۴ درصد تغییرات شهروندی را تبیین می‌کنند.

**واژه‌های کلیدی:** تکالیف و حقوق شهروندی، منابع در دسترس، سرمایه اجتماعی، شهروندی فعال، فضیلت‌های مدنی.

## مقدمه و طرح مسأله

مسأله اصلی پژوهش حاضر وضعیت شهروندی و گونه‌های آن در میان شهروندان سنندجی است. شهروندی، «مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف است که تعیین کننده عضویت اجتماعی - سیاسی و دربردارنده تخصیص منابع جمعی به گروه‌های اجتماعی، خانوارها و افراد است» (ترنر، ۱۹۹۴: ۱). شهروندی ماهیت چند بُعدی دارد و از جهت اهمیتی که برای هویت ملی، همبستگی اجتماعی، ادغام اجتماعی و دموکراسی دارد، از نهادهای اصلی جوامع معاصر به‌شمار می‌آید (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲: ۵۷). اهمیت دیگر شهروندی بدلیل موقعیتی است که رابطه میان فرد و جامعه سیاسی را برقرار می‌کند و چارچوبی برای تعامل افراد درون جامعه مدنی فراهم می‌کند (فالكس، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

شهروندی به عنوان یک پدیده اجتماعی مدرن از مؤلفه‌های محوری نظام‌های سیاسی دموکراتیک و شاخصی کلیدی برای تحقق دموکراسی در یک جامعه مدرن است که برخوردار از حوزه عمومی و جامعه مدنی کارآمد و پویا است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۲). عضویت افراد در جوامع مدرن، با موقعیت شهروندی آن‌ها پیوند

می‌خورد و از این طریق احساس هویت می‌کنند و به مشارکت خود در جامعه مبادرت می‌ورزند (غیاثوند، ۱۳۹۴: ۱۲۰).

تحولات پدید آمده در جوامع معاصر و حتی در کشورهای در حال توسعه، ناظر به حرکت به سمت نظام‌های مدیریت مشارکتی به ویژه از دهه ۱۹۸۰ است که لازمه آن رعایت اصول شهروندی و ایجاد نهادهای مدنی بر پایه این اصول است. «کارکرد اصلی شهروندی، اداره جامعه مبتنی بر رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام وظایف به منظور حفظ نهادهایی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می‌دارد. امتیازی که شهروندی بر دیگر هویت‌های جمعی دارد این است که دارای یک برابری فراگیر است که دیگر هویت‌ها نظیر طبقه، مذهب یا قومیت فاقد آن هستند (فالكس، ۱۳۹۰: ۱۴۰). پر واضح است که در قرن بیستم اکثر جوامع نامتجانس، چند فرهنگی و متنوع هستند و مجموعه کاملی از تنوع و شکاف فرهنگی و مذهبی را در خود دارند و همین مسأله اهمیت شهروندی را دوچندان می‌کند. یک مسأله اصلی و سرنوشت ساز در اکثر جوامع، مدیریت مسالمت‌آمیز تفاوت‌ها، تمایزات و تنوعات قومی، مذهبی و زبانی است. شهروندی و نهادینه‌سازی آن در جامعه بدلیل ماهیت ادغامی و دربرگیرنده، در تعدیل شکاف‌های اجتماعی و پیش‌بینی پذیر ساختن کنش‌های اجتماعی و سیاسی گروه‌ها و اجتماعات متنوع نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌کند. مارشال در کتاب «شهروندی و طبقه اجتماعی»، با بررسی و تحلیل تاریخی - اجتماعی شکل‌گیری پدیده شهروندی در غرب طی سده‌های هفده تا بیست میلادی، و طرح ابعاد سه گانه حقوق شهروندی (مدنی، سیاسی و اجتماعی)، معتقد است شهروندی تضاد بین طبقات اجتماعی را از طریق تخصیص مجدد منابع تخفیف داده و یا به حداقل رسانده است (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲: ۶۳).

به زعم جانویتز، شهروندی مناسب شامل تعادلی بین حقوق و تعهدات است و این امکان را به شهروندان می‌دهد که هم حاکمیت داشته باشند و هم تحت حاکمیت باشند (جانویتز، ۱۹۹۴: ۴-۴۴ به نقل از غیاثوند، ۱۳۹۴). اگر شهروندان فقط حقوقی داشته باشند و همه تکالیف بر عهده دولت قرار گیرد، زندگی منظم متمدن ناممکن خواهد بود. افرادی که حقوقی دارند اما هیچ تکلیفی را نمی‌پذیرند بی‌قانون و لجام گسیخته خواهند بود. بنابراین، شهروندی متضمن ترکیبی از حقوق و تکالیف خواهند بود (هیوود، ۱۳۸۹: ۲۹۶).

شواهد تجربی گویای آن است که ایفای حقوق و تکالیف شهروندی منوط به مهیا شدن منابع و بسترهای تحقق شهروندی است که با دسترسی نابرابر به این منابع شهروندی مخدوش خواهد شد. از دیگر سو، همه‌ی شهروندان به یک اندازه نسبت به آنچه کارگزاران سیاسی و اجتماعی آن را تکلیف می‌دانند مسئولیت‌پذیر نیستند و هم چنین به یک نسبت از حقوق شهروندی خود رضایت ندارند. شهروندان همیشه بدنبال بیشینه کردن حقوق شهروندی بوده و جهت‌گیری کارگزاران سیاسی هم عمدتاً معطوف به انجام تکالیف شهروندی بوده است. بدیهی است در چنین شرایطی تضاد به وجود می‌آید. دلیل این تضاد این است که شهروندان معتقدند که تکالیف خود را به درستی انجام داده ولی از حقوق شهروندی به اندازه کافی بهره‌مند نمی‌شوند.

پژوهش‌های تجربی به انجام رسیده بر روی بخش‌ها و گروه‌هایی از جامعه ایران، نشانگر آن است که شهروندی از وضعیت نامساعدی برخوردار است و مؤید حاشیه-نشینی اجتماعی زنان، طرد اجتماعی برخی از گروه‌های اجتماعی و اقلیت‌های فرهنگی (قومی، نژادی مذهبی) است (شیانی، ۱۳۸۱؛ اسکافی، ۱۳۸۶؛ هاشمیان‌فر و گنجی، ۱۳۸۸؛ هزار جریبی و امانیان، ۱۳۹۰)، علاوه بر این، بر مبنای پژوهش‌های غیاثوند (۱۳۹۴) و یوسفی و عظیمی هاشمی (۱۳۸۷)، نوعی ناموزونی در ابعاد شهروندی وجود دارد. نتایج

این دسته از مطالعات گویای آن است که شهروندان خود را مقید به انجام تکالیف شهروندی می‌دانند ولی از حقوق شهروندی به اندازه کافی بهره‌مند نمی‌شوند. بنابراین، از منظر شهروندان نوعی ناموزونی بین تکالیف شهروندی و حقوق شهروندی وجود دارد. هر چند با محوریت شهروندی تحقیقی در مناطق گردنشین و از جمله میدان مورد مطالعه (به عنوان بخشی از مناطق گردنشین) صورت نگرفته است؛ با این وصف، آن -دسته از مطالعات تجربی موجود (قادرزاده، ۱۳۸۸؛ محمدزاده، ۱۳۹۰) که به نوعی مرتبط با برخی از ابعاد از شهروندی است گویای آن است که در میدان مورد مطالعه این تصور و پنداشت در حال تقویت است که از دسترسی به قدرت، گردش نخبگان و فرصت برابر سیاسی بی‌بهره‌اند و در یک وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین‌تری نسبت به دیگر اقوام کشور قرار دارند و از برخورداری از حقوق یا دسترسی به موقعیت‌های فرهنگی، در مقایسه با سایر اقوام محدود هستند. مقایسه نتایج موج اول (۱۳۷۹) و موج دوم (۱۳۸۲) داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان حاوی اطلاعات متنوع و فراگیری در خصوص شناخت وضعیت نگرشی و ذهنی کلی اقوام ایرانی و تحولات آن است بر مبنای این داده‌ها، قوم گرد بیش از بقیه اقوام کشور بر این باور است که حکومت برای همه اقوام کشور ارزش و احترام یکسانی قائل نیست (گودرزی و دیگران، ۱۳۸۴). با نظر به شواهد میدانی و نظام متمرکز سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جامعه ایران و سیطره خرده نظام سیاسی بر سایر خرده نظام‌های اجتماعی می‌توان بر مسأله بودن شهروندی در شهر سنندج (میدان مورد مطالعه) نظیر سایر مناطق ایران نیز پی برد. بر این اساس، پژوهش حاضر در نظر دارد ضمن شناسایی گونه‌های شهروندی، به بررسی محتوای اجتماعی شهروندی در نزد شهروندان سنندجی پردازد و ضمن شناسایی عوامل اثرگذار در کمّ و کیف شهروندی، راهکارهای علمی و تجربی در جهت ارتقا و گسترش شهروندی در بین شهروندان سنندجی ارائه نماید.

### پیشینه تحقیق

در زمینه شهروندی مطالعات قابل توجهی به انجام رسیده است که مؤید مسأله‌مند بودن و ضرورت عملی شهروندی در جامعه و در نزد گروه‌های مختلف اجتماعی است. در این بخش اهمّ نتایج مطالعاتی که ارتباط موضوعی بیشتری با پژوهش حاضر دارد معرفی و مرور می‌شود.

شیانی (۱۳۸۱) در پژوهش پیمایشی «تحلیل وضعیت شهروندی در لرستان»، نشان داده است که در میدان مورد مطالعه آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی در حد پایین قرار دارد و متغیرهای عضویت در طایفه، درآمد، انجام فعالیت‌های داوطلبانه، تجربه انتخاب شدن، نگرش به مشارکت و عام‌گرایی و فرصت‌های اجتماعی، ۶۹ درصد از تغییرات آگاهی از حقوق شهروندی را تبیین نموده است.

یافته‌های پژوهش پیمایشی کیان‌پور (۱۳۸۵) با عنوان «بررسی رابطه بین عوامل اجتماعی- فرهنگی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی» مؤید آن است که استفاده از وسایل ارتباط جمعی، مشارکت در عرصه‌های عمومی، طبقه اقتصادی- اجتماعی، تحصیلات و آموزش‌های اجتماعی بر آگاهی افراد از حقوق شهروندی مؤثر است. عبدی (۱۳۸۶) در پژوهش پیمایشی «تبیین جامعه شناختی آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی» نشان داد که متغیرهای جنسیت، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، هویت اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و دینداری با آگاهی دانشجویان از حقوق و تکالیف شهروندی رابطه معناداری دارد.

یوسفی و عظیمی هاشمی (۱۳۸۷) در پژوهش پیمایشی «شهروندی در مراکز استان‌های ایران» نشان داده‌اند که ضعف احساس شهروندی در ابعاد سه‌گانه برابری فرصتی، توزیعی و مشارکتی و بالا بودن وفاداری سیاسی، از یک سو دلالت بر کسری ذخائر مشروعیت مدنی حکومت دارد و از سوی دیگر نشان از وجود دیگر ذخائر مشروعیت به‌ویژه ذخائر مشروعیت دینی دارد که علی‌رغم ضعف عملکردی حکومت

در تأمین حقوق شهروندی، وفاداری به حکومت را در نزد شهروندان محفوظ نگه می‌دارد. در واقع ذخائر دینی مشروعیت حکومت در ایران، کسری ذخائر مشروعیت مدنی را جبران می‌کند.

محمدی، شیانی و روشنفکر (۱۳۹۰) در پژوهش پیمایشی «عوامل مرتبط با هویت شهروندی در شهر تهران» نشان داده‌اند که هویت شهروندی در نزد شهروندان تهرانی در حد متوسط است و متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس تعلق، هویت فردی و جمعی ۳۸/۳ درصد تغییرات هویت شهروندی را تبیین می‌کند.

بر مبنای پژوهش پیمایشی کبیری (۱۳۹۲) با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی فرهنگی شهروندان تنکابن»، با کاهش سرمایه فرهنگی در نزد شهروندان تنکابنی، فرهنگ شهروندی نیز تنزل پیدا کرده است. نتایج پژوهش ملاپور (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی میزان آگاهی شهروندی در میان معلمان منطقه ۱۱ آموزش و پرورش تهران» نشانگر آن است که کمترین میزان آگاهی معلمان مربوط به بُعد سیاسی حقوق شهروندی بوده است و سرمایه اجتماعی رابطه معناداری با آگاهی شهروندی دارد.

همتی و احمدی (۱۳۹۳) در پژوهش پیمایشی «تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین‌کننده آن (مورد مطالعه: شهر ایوان»، فرهنگ شهروندی را در قالب مؤلفه‌های مدارای اجتماعی، مشارکت جویی، انجام رفتارهای مدنی، اعتماد بین شخصی، عام‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، نوع‌دوستی و پیروی از قانون سنجیده است. نتایج حاکی از رابطه مثبت باورهای مذهبی و رابطه منفی احساس انومی با شاخص ترکیبی فرهنگ شهروندی است.

گنجی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش پیمایشی با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی و فرهنگی در میزان احساس شهروندی» به بررسی نقش سرمایه اجتماعی و فرهنگی در میزان احساس شهروندی در بین شهروندان شهر کاشان پرداخته است. در این پژوهش احساس شهروندی در ابعاد چهارگانه احساس برابری فرصتی، توزیعی، مشارکتی و احساس هویت اجتماعی مفهوم‌سازی شده است. بر مبنای نتایج، احساس شهروندی

شهروندان کاشانی در سطح متوسط قرار دارد و سرمایه اجتماعی و فرهنگی با احساس شهروندی رابطه معناداری دارد.

یافته‌های پژوهش پیمایشی غیاثوند (۱۳۹۴) با عنوان «گونه‌شناسی شهروندی در ایران؛ فرصت‌ها و تهدیدهای آن» نشان می‌دهد که در بین افراد ۱۸ سال به بالای شهر تهران میانگین وضعیت حقوق شهروندی کمتر از تکالیف شهروندی است و گرایش منفعل-فعال با ویژگی غالب تکالیف محور بیشترین تغییر را در وضعیت توسعه شهروندی نشان می‌دهد.

سونجا ازمرلی<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و هنجارهای شهروندی: رابطه‌ای مبهم؟» نشان داده است که افراد برخوردار از اعتماد تعمیم یافته و اعتماد به نهادهای سیاسی، بیشتر قائل به هنجار نظم اجتماعی هستند. نتایج پژوهش کوگان<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) با عنوان «مطالعه خط‌مشی‌های گرایش‌های شهروندی» حاکی از آن دارد که ارتباط معناداری بین پابندی به فرهنگ، قانون‌گرایی و توانایی فهم، پذیرش و بردباری در خصوص تفاوت‌های فرهنگی وجود دارد (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۰: ۹۶). دوچرتی و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) در تحقیقی با عنوان «فرهنگ مدنی، جامعه و مشارکت شهروندان در محله‌های متضاد» به این نتیجه رسیدند که فرهنگ مدنی، نهادهای سیاسی، سیاست‌های عمومی و آموزش در مشارکت شهروندان مؤثر است.

مروری بر ادبیات تجربی مرتبط با شهروندی گویای آن است که در اغلب مطالعات تجربی صرفاً به یکی از ابعاد شهروندی (آگاهی از حقوق و تکالیف) اشاره و تنها در مطالعه شبانی (۱۳۸۱) و غیاثوند (۱۳۹۴) ابعاد دوگانه لحاظ شده است. علاوه بر این سنخ‌شناسی حقوق شهروندی در اغلب مطالعات بجز مطالعه غیاثوند (۱۳۹۴) نادیده گرفته شده است. در مقاله حاضر تلاش شده است ضمن مفهوم‌سازی

---

1. Sonja Ezmerli

2. Cogan

3. Docherty



شهروندی در ابعاد دوگانه حقوق و تکالیف شهروندی و ارائه سنخ شناسی با الهام از مطالعه غیثوند (۱۳۹۴) دستگاه نظری تلفیقی اختیار و عوامل مرتبط با شهروندی در سطوح مختلف تبیین شود. مضافاً این که در خصوص میدان مورد مطالعه به دلیل مختصات فرهنگی آن پژوهشی در خصوص شهروندی صورت نگرفته است.

### چارچوب نظری

شهروندی در زمره مباحثی به شمار می‌آید که درون شبکه‌های مفهومی و در بستر تاریخی-اجتماعی، محتوا و معنای خود را آشکار ساخته است. این مفهوم در فرآیند تاریخی و به تبع تحولات در جوامع دگرگون شده است. در نظریه‌های جامعه‌شناسی شهروندی طیف وسیعی را در بر می‌گیرد. جامعه‌شناسان این مفهوم را در زمینه‌های متفاوت مورد بررسی قرار داده‌اند. با این وجود محور مشترک در همه تعاریف، تأکید بر حقوق و وظایف شهروندی، مشارکت، برابری شهروندان، هویت شهروندی، نقش و پایگاه شهروندان فارغ از تعلقات اجتماعی، طبقاتی، قومی، نژادی و مذهبی است که در این جا به دیدگاه‌های برخی از نظریه‌پردازان پرداخته می‌شود.

پارسونز، شهروندی را نتیجه ظهور جامعه سرمایه‌داری صنعتی و توسعه مدرنیته و دموکراتیک شدن می‌داند. او شهروندی را نوعی احساس تعلق می‌داند که در نهایت به انسجام اجتماعی منجر می‌شود. از نظر پارسونز، برای دستیابی به هویت شهروندی، باید هنجارهای عام را در قالب فعال‌گرایی، عام‌گرایی، آزادگی، مساوات طلبی و معیارهای اکتسابی گسترش داد. «گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن تأکید دارند و خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند درکی از حقوق و امتیازات شهروندی نخواهد داشت» (پارسونز، ۱۹۶۵: ۱۸۷).

هابرماس، شهروندی را در رابطه با اجتماع سیاسی، جامعه مدنی و حوزه عمومی تحلیل می‌کند. وقتی که شهروندان درباره مسائل مورد علاقه عمومی و منابع عمومی به گونه‌ای آزاد و بدون قید و بند و با تضمین آزادی اجتماعات، و آزادی بیان چاپ و نشر

افکارشان با یکدیگر مشورت و کنکاش می‌کنند، در واقع به صورت پیکره عمومی عمل می‌کنند. به زعم هابرماس، در دوران معاصر که با جهانی شدن و جوامع متکثر روبرو هستیم میهن پرستی قانونی<sup>۱</sup> بایستی جایگزین شهروندی ملی شود. «امتیاز میهن پرستی قانونی این است که میان شهروندان تعهدی به نهادهای حکومتی ایجاد می‌کند بدون اینکه مجبور باشند به یک وحدت فرهنگی جعلی و نادرست تکیه کنند. در چنین وضعیتی، جامعه آینده خودش را نه از طریق رجوع به گذشته و احساس افسانه‌ای مشترک به عنوان یک ملت، بلکه از طریق مشورت می‌سازد (هابرماس، ۱۹۹۴ به نقل از فالکس، ۱۳۸۱: ۲۱۲).

یکی از متفکرین و نظریه‌پردازان نام‌آور در زمینه شهروندی، تی. اچ. مارشال (۱۹۵۰) است که با وجود نقدهای جدی بر دیدگاهش شاید بتوان گفت که شکل‌گیری مفهوم جدید شهروندی در نظریه اجتماعی با کار وی آغاز شد. برای مارشال شهروندی موقعیت یا پایگاهی است که به تمام افرادی که عضو تمام عیار اجتماع خود هستند داده می‌شود. همه آن‌هایی که این موقعیت را دارا هستند، نسبت به حقوق و وظایفی که این موقعیت به آن‌ها می‌دهد، برابر هستند.

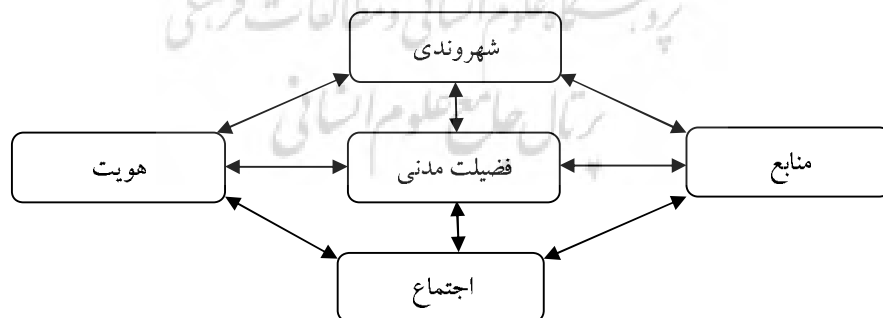
به زعم وی، جامعه‌شناسی تاریخی شهروندی در غرب نشان می‌دهد که به موازات گسترش نهادهای و بسترهای ساختاری حقوقی، سیاسی و اجتماعی، سه نوع به هم پیوسته از شهروندی (مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی) تکوین یافته است. او این فرآیند را فرآیندی تکاملی می‌داند و بر این تصور بود که تحقق هر یک از اقسام و شقوق حقوق، گامی مؤثر برای تحقق دیگری بوده است. ژانوسکی با بسط نظریه مارشال، شهروندی را عضویت فعال افراد در قلمرو دولت-ملت دانسته که به موجب آن شهروندان از حقوق و تعهدات برابر برخوردارند. او در کتاب «شهروند و جامعه مدنی» (۱۹۹۸)، ضمن تأیید و بسط انواع حقوق شهروندی مارشال، حق مشارکت را سنخ‌شناسی مارشال افزود.

الکساندر<sup>۱</sup>، موضوع شهروندی را در خلال بحث از نظم اجتماعی و جامعه مدنی مطرح نموده است. جامعه مدنی در حوزه اجتماعی جامعه جای می‌گیرد و حوزه همبستگی و هویت جمعی عام است. «تکوین شهروندی به مثابه بنیان نظم اجتماعی دموکراتیک مستلزم رهایی جامعه مدنی از سیطره سیاسی، اقتصادی و مذهبی است و به لحاظ داخلی متضمن وجود ساختار نمادین و گفتمانی اغراض و انگیزه‌های اجتماعی مثبت و مساعدی نظیر خردورزی، اعتماد و سرمایه اجتماعی، صداقت، برون‌گرایی و دوستی است که با خود مناسبات و تعاملات اجتماعی گسترده، باز، عام، آگاهانه و ارادی را به دنبال داشته و در نهایت به ساختارها و نهادهای اجتماعی در برگیرنده و فراگیر و مبتنی بر قانون، عدالت و حقوق شهروندی و قراردادهای اجتماعی منجر خواهد داشت که تحکیم بخش نظم و همبستگی اجتماعی است» (الکساندر، ۱۹۹۸: ۹۷).

یکی از نظریه‌پردازان معاصر که با مرور تاریخی بر مفهوم شهروندی و تحلیل و نقد تعریف و نظریه‌های موجود سعی در ترکیب و ارائه نظریه جدید مطابق با شرایط اجتماعی غرب نمود، برایان. اس. ترنر است. از دید ترنر، شهروندی مجموعه حقوق و وظایفی است که به افراد هویت قانونی و رسمی اعطا می‌کند. این حقوق و تعهدات به لحاظ تاریخی در چارچوب مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی نظیر نظام قضایی، پارلمان‌ها و دولت‌های رفاه ساخته و پرداخته شده است (ترنر، ۱۹۹۹: ۲۶۲).

به زعم ترنر، شهروندی اجتماعی با فرآیند مدرنیزاسیون (رشد سکولاریسم، تضعیف خاص‌گرایی، گسترش نهادهای شهروندی و گسترش تعلیم و تربیت همگانی) توسعه یافته است. علاوه بر آن شاهد ظهور شهروندی فرهنگی به میانجی انقلاب آموزشی هستیم که حقوق دموکراتیک را به قلمروهای تعلیم و تربیت همگانی و مشارکت در فرهنگ‌های ملی گسترش داده است.

مدل جامعه‌شناختی شهروندی ترنر، دربرگیرنده نهادهای شهروندی، هویت اجتماعی، ماهیت نابرابری و دسترسی به منابع اقتصادی-اجتماعی است و وقتی حقوق قانونی و تعهدات به عنوان موقعیت رسمی، نهادینه می‌شود، استحقاق رسمی برای منابع کمیاب در جامعه را به مردم اعطا می‌کند. شهروندی نیز بر دسترسی افراد و گروه‌ها به منابع کمیاب در جامعه نظارت می‌کند. این منابع، نه تنها شامل منابع اقتصادی چون مسکن، درآمد، شغل، درمان، تخفیف مالیات و حمایت از بازنشستگان، بلکه در برگیرنده منابع فرهنگی و سیاسی مثل تعلیم و تربیت، دانش و آزادی‌های زبان و مذهب، حق رأی، دسترسی به قدرت، حق مشارکت سیاسی نیز هستند. در کنار این منابع سه نوع حقوق اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نیز وجود دارد. « در تأکید بر ایده شهروندی علاوه بر موقعیت حقوقی، نظارت بر دسترسی به منابع کمیاب جامعه، اعطای هویت فرهنگی به افراد و گروه‌ها نیز مطرح است. بنابراین، وقتی عالمان سیاسی به شهروندی اشاره می‌کنند آن‌ها نه تنها در مورد دسترسی به منابع اقتصادی کمیاب و منابع سیاسی فکر می‌کنند، بلکه راجع به مسأله هویت در جامعه مدنی و فرهنگ مدنی علاقه‌مند هستند. در فلسفه سیاسی رسمی مفهوم شهروندی حاوی ایده فضیلت مدنی است که نشأت گرفته از ارزش‌ها، رفتارها و سبک زندگی است و به عنوان ضرورتی برای عملکرد دموکراسی در نظر گرفته می‌شود» (ترنر، ۱۹۹۹: ۲۶۲-۲۶۵).



شکل ۱- مدل جامعه‌شناختی شهروندی ترنر

مبنای شهروندی، ایده اجتماع سیاسی نظیر دولت- ملت است. یعنی افراد با شهروند شدن، نه تنها وارد مجموعه‌ای از نهادها می‌شوند که به آنها حقوق و وظایف اعطا می‌شود، هویتی کسب می‌کنند و دارای فضیلت مدنی می‌شوند، بلکه اعضای یک جامعه سیاسی با یک سرزمین و تاریخ خاص می‌شوند. «هویت شهروندی به اعضای اجتماع دولت- ملت هویت ملی می‌بخشد. فرهنگ ملی همه مشخصات مذهب مدنی را دارد و از این رو شهروندی مدرن شکلی از همبستگی اجتماعی به‌شمار می‌رود (ترنر، ۱۹۹۹: ۲۶۵-۲۶۶).

آنچه جوامع معاصر را یکپارچه نگه می‌دارد، شهروندی مشترک به عنوان مبنای بنیادین و تشکیل دهنده جامعه در یک محیط چند فرهنگی است. بنیان مشترک شهروندی به گروه‌های قومی مختلف دسترسی به منابع کمیاب را می‌دهد و تنوع فرهنگی را ممکن می‌سازد. «شهروندی شکلی از همبستگی را ممکن می‌سازد، به عنوان نوعی از چسب اجتماعی عمل می‌کند که جوامع را منسجم نگه می‌دارد؛ جوامعی که به وسیله طبقه اجتماعی، جنسیت و قومیت و گروه‌های سنی تقسیم و دچار انشقاق شده است. در این میان آموزش در خلق فضیلت‌های مدنی سهیم است. همه جوامع به منظور تداوم و حیات بایستی یک پایه و بنیان همبستگی داشته باشند و همه جوامع انسانی، همچنین به وسیله کمیابی مشخص می‌شوند. تنش بین کمیابی در وسایل نیل به نیاز (هدف) و نیاز به همبستگی اجتماعی در بافت پلورالیسم، کانون شهروندی به حساب می‌آید» (همان، ۲۶۶-۲۶۸).

در جوامع معاصر عوامل متعددی احساس شهروندی را به مخاطره افکنده است. یکی از این عوامل احساس فقر و نداری است که برای بخش عظیمی از شهروندان در کشورهای توسعه‌یافته و به طور عام در کشورهای در حال توسعه به طور خاص نوعی ناکامی و احساس نداری را به وجود آورده است (همان، ۲۶۸).

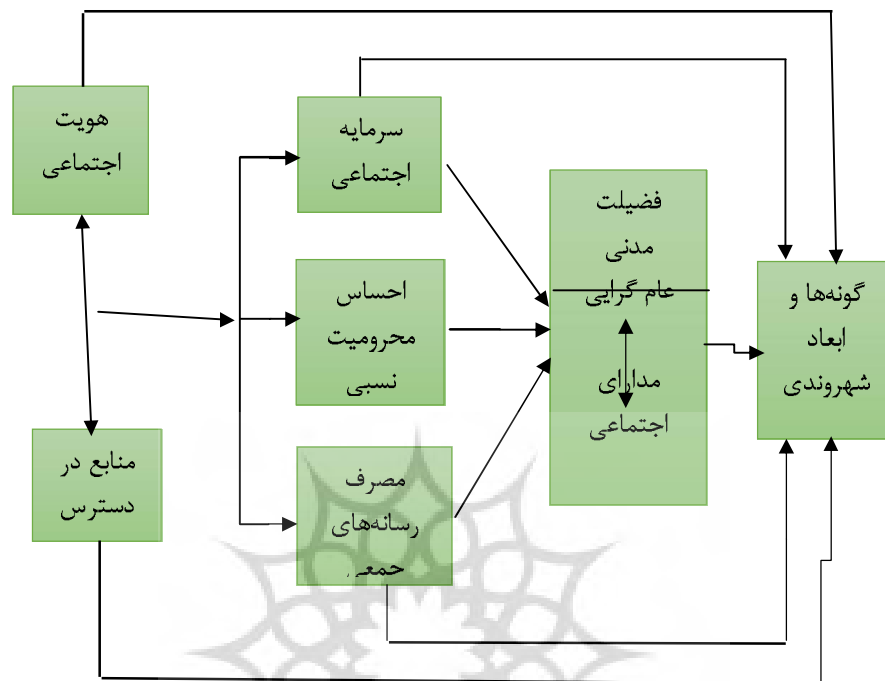
ترنر به تبعیت از پارسونز (۱۹۶۶)، تکوین شهروندی را مستلزم انتقال از جوامع مبتنی بر معیارهای انتسابی به جوامع مبتنی بر معیارهای اکتسابی می‌داند، گذاری که

مستلزم انتقال از ارزش‌های خاص‌گرا به ارزش‌های عام‌گرا است. «ظهور شهروند مدرن مستلزم تشکیل یک سوژه سیاسی مجرد انتزاعی است که دیگر به وسیله ویژگی‌های تولد، قومیت یا جنسیت تعریف و محدود نمی‌شود. تکوین تاریخی شهروندی مستلزم مفاهیم و ایده‌های عام‌گرایانه (جهان‌گرایانه) از سوژه، زوال نظام خویشاوندی خاص - گرایانه به نفع محیط‌های شهری، که احتمالاً در بافت شهر مستقل و خود مختار شکوفا می‌گردد» (ترنر، ۱۹۹۰: ۱۹۴).

به باور ترنر، کاهش سرمایه اجتماعی، شاخص مهم زوال شهروندی است. «مشخصه اصلی سال‌های آخر قرن بیستم کاهش عمده همه اشکال مشارکت اجتماعی بوده است. میزان عضویت در گروه‌های دینی، مراسم پذیرش، انجام غسل تعمید و ازدواج در کلیساهای مهم مسیحیان به گونه قابل توجهی از ۱۹۷۰ به بعد کاهش یافته ولی در فرقه‌های کلیسای انجیلی و ادیان غیرمسیحی افزوده شده است» (ترنر، ۲۰۰۱: ۱۹۸). روابط مهمی بین شهروندی اجتماعی و سرمایه اجتماعی وجود دارد. بخش قابل توجهی از مباحث سرمایه اجتماعی بر این فرض مبتنی است که اعتماد به صورت غیررسمی از طریق شبکه روابط اجتماعی روزمره پدیدار می‌شود که با حضور در کلیسا، عضویت در باشگاه‌ها، و یا شرکت در گروه‌های محلی مرتبط بوده است. در یک محیط بزرگ و پیچیده اجتماعی اعتماد غیر رسمی، حمایت حکم قانون و مؤسسات دولتی را می‌طلبد. با جهانی شدن، حکومت بر جوامع پیچیده و نامنظم شده است (ترنر، ۲۰۰۰: ۱۶۵-۱۶۶).

پیش فرض اصلی پژوهش حاضر این است که تحقق شهروندی و عمل به حقوق و تکالیف شهروندی، متضمن تحقق بسترهای شهروندی است. بر مبنای نظریه‌های مرور شده، مرزبندی‌های هویتی و تعلقات جمعی ضمن اثرگذاری بر منابعی که افراد به صورت دانش، مهارت و سرمایه اقتصادی در اختیار دارند، از منابع در دسترس افراد نیز تأثیر می‌پذیرد. شهروندان به میانجی منابع در دسترس و گستره و نوع تعلقات جمعی، ساختار روابط و تعاملات اجتماعی (به مثابه سرمایه اجتماعی) خود را صورت‌بندی

می‌نمایند و به فراخور منابع در دسترس (در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی) و بهره‌مندی از رسانه‌های ارتباطی (به عنوان مجاری نوین ارتباطی و اطلاعاتی) افق ذهنی و بینشی آن‌ها نسبت به اعیان فرهنگی و اجتماعی و محیط هنجاری تکوین می‌یابد. با نظر به واقعیت‌های میدان مورد مطالعه و شواهد میدانی که نشان از نازل بودن شاخص‌های توسعه دارد، افق ذهنی و بینشی شهروندان سنندجی آمیخته با احساس محرومیت است. افق ذهنی و بینشی شهروندان، جهت‌گیری‌های عملی (مدارای اجتماعی و عام‌گرایی به مثابه فضیلت مدنی) آن‌ها را نسبت به محیط هنجاری و سایر گروه‌بندی‌های اجتماعی شکل می‌بخشد و میزان عمل به تکالیف و حقوق شهروندی و گونه‌های شهروندی را دستخوش تغییر می‌سازد. بنا برآن چه گفته شد، فرصت‌ها و بسترهای اجتماعی در سطوح فردی و ساختاری مقوم شهروندی است. علاوه بر این افراد نیازمند، منش و فضیلت‌های مدنی هستند که پذیرای حقوق و تکالیف شهروندی باشد؛ فضیلت‌هایی که مروج مدارا، تعلق و همبستگی با دیگران، حاکمیت ارزش‌ها، هنجارها و جهت‌گیری‌های عام است. بنابراین، تحقق و اعمال شهروندی در تعامل با سایر عوامل در سطوح فردی و ساختاری است. در نمودار (۱) ارتباط متغیرهای ذکر شده آمده است.



شکل ۱- مدل نظری تحقیق

### فرضیه‌های تحقیق

- بین منابع در دسترس شهروندان و وضعیت شهروندی آنها رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان عام‌گرایی شهروندان و وضعیت شهروندی آنها رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان مدارای اجتماعی شهروندان و وضعیت شهروندی آنها رابطه معناداری وجود دارد.
- بین هویت اجتماعی شهروندان و وضعیت شهروندی آنها رابطه معناداری وجود دارد.



- بین میزان احساس محرومیت نسبی شهروندان و وضعیت شهروندی آنها رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان سرمایه اجتماعی شهروندان و وضعیت شهروندی آنها رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی شهروندان و وضعیت شهروندی آنها رابطه معناداری وجود دارد.

### روش تحقیق

این پژوهش در چارچوب روش‌شناسی کمی و با استفاده از روش پیمایشی به انجام رسیده است. داده‌های مورد نیاز با تکنیک‌های چندگانه گردآوری و با استفاده از تکنیک‌های کمی مورد تحلیل قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شهروندان ۲۰ تا ۵۴ ساله شهر سنندج است که بر مبنای سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ جمعیت ۲۸۱۹۵۹ نفر برآورد می‌شود. بر اساس فرمول کوکران که در آن  $t=1/96$  (تعداد اشتباه استاندارد برای ضریب اطمینان قابل قبول) و  $S^2=0/25$  (واریانس پدیده مورد مطالعه) و  $d=0/05$  (دقت احتمالی مطلوب) بوده است، حجم نمونه ۳۸۳ نفر به دست آمد که برای اطمینان بیشتر و جلوگیری از نقص پوشش و بی‌جوابی، ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. در این پژوهش با مدنظر قرار دادن این امر که شهروندی از منابع در دسترس و بهره‌مندی از اشکال سرمایه تأثیر می‌پذیرد، با لحاظ نمودن «سطح برخورداری» مناطق شهری سنندج، روش نمونه‌گیری «احتمالی خوشه‌ای چند مرحله‌ای» مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، برای انتخاب مناطق مورد بررسی با بهره‌گرفتن از نقطه نظرات کارشناسان از میان مناطق برخوردار، نیمه برخوردار و نا برخوردار شهر سنندج سه منطقه انتخاب گردید. بر این مبنای، نمونه‌های انتخاب شده شامل مبارک آباد (معرف بخش برخوردار شهری)، شهرک

زاگرس (بخش برخوردار نیمه برخوردار)، و نایسر (معرف بخش نابرخوردار شهری) است. در مرحله بعد با مراجعه به درمانگاه مستقر در این مناطق و بهره‌گرفتن از نقشه‌های موجود و تقسیم بندی صورت گرفته و وجود شماره اختصاصی برای هر خانوار، در محدوده هر یک از مراکز بهداشتی ۶ خوشه ۲۲ تایی انتخاب که در مجموع ۴۰۰ نمونه برگزیده شد.

### تعاریف نظری و عملیاتی‌سازی متغیرها

شهروندی، ابعاد و گونه‌های آن: شهروندی، مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف است که تعیین‌کننده عضویت اجتماعی-سیاسی است و دربردارنده تخصیص منابع جمعی به گروه‌های اجتماعی، خانوارها و افراد است (ترنر، ۱۹۹۹: ۲۶۲-۲۶۵). از دید ترنر، شهروندی دارای سه بعد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. در این مطالعه گونه‌های شهروندی با بهره‌گرفتن از سنخ‌شناسی غیاثوند (۱۳۹۴) در چهار گونه «فعال»، «منفعل»، «تکلیف محور»، و «حقوق محور» عملیاتی شده است.

در این پژوهش، با تاسی از مطالعات تجربی (ترنر، ۱۹۹۹؛ غیاثوند، ۱۳۹۴؛ بخارایی و همکاران، ۱۳۹۴؛ شیانی و سپهوند، ۱۳۹۴؛ حاج زاده و منصوری، ۱۳۹۲؛ فتحی و ثابتی، ۱۳۹۱؛ همتی و احمدی، ۱۳۹۱؛ عظیمی و شایسته مجد، ۱۳۸۹)، نوع شهروندی در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مفهوم‌سازی شده است. هر یک از این ابعاد به دو بعد حقوق و تکالیف تقسیم شده است. بعد حقوق فرهنگی (آزادی در انتخاب نام فرزندان، تدریس زبان مادری در کنار زبان رسمی، حق تألیف و انتشار کتاب به زبان مادری، ...)، بُعد تکالیف فرهنگی (احترام به همه اقوام و مذاهب، حفاظت از اماکن و وسایل عمومی، عبور نکردن از چراغ قرمز و ...)، بعد حقوق اقتصادی (حق برخورداری از امکانات پزشکی و بهداشتی، حق سرمایه‌گذاری اقتصادی دولت در همه‌ی نقاط کشور، حق برخورداری از مسکن، شغل و ...)، بُعد تکالیف اقتصادی (پرداخت مالیات،

احترام به مالکیت شخصی دیگران، تلاش داوطلبانه در راستای توسعه کشور، صرفه جویی در مصارف منابع مختلف، و...)، بُعد حقوق سیاسی (حق دستیابی و دسترسی به پست‌ها و مقامات بالای سیاسی، برخورداری از حقوق یکسان، یکسان بودن در برابر قانون، و...) و بُعد تکالیف سیاسی (نامزد شدن در انتخابات شورای اسلامی شهر، پیگیری منافع عمومی و انتقال مشکلات شهر به گوش مسئولان شهر یا استان، دفاع از خاک کشور، و...) در سطح ترتیبی سنجیده شده است.

**منابع در دسترس:** میزان منابعی که در دسترس اشخاص مختلف قرار دارد با توجه به موقعیت و جایگاه اقتصادی و اجتماعی آنها متفاوت است؛ به عبارت دیگر، منابع مادی و غیر مادی در جامعه به طور نامساوی بین افراد توزیع شده است، به طوری که بعضی از آنها از میزان بالایی از منابع مختلف برخوردارند و بعضی کمتر (پناهی، ۱۳۸۶: ۱۱۱). این متغیر در ابعاد اقتصادی (داشتن منزل مسکونی، شغل پایدار، درآمد ماهیانه، داشتن ماشین)، فرهنگی (برخورداری از مدرک تحصیلی، داشتن گواهینامه و مدارج مهارتی، میزان فراغت- مسافرت، ساعات مطالعه و...)، سرانه خرید کتاب و نشریات، و...) و سیاسی (دانش سیاسی، تجربه فعالیت سیاسی و...) عملیاتی شده است.

**بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی:** رسانه‌ها عامل مهمی در افزایش آگاهی نسبت به موضوعات مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. این متغیر در دو بُعد میزان استفاده از رسانه‌های جمعی (میانگین استفاده شبانه روز از فیس‌بوک، تلگرام و...) در سطح فاصله‌ای و مصرف رسانه‌های ارتباطی (پیگیری اخبار و اطلاعات مربوط به جامعه از طریق ماهواره، جراید، سایت‌های اینترنتی، صدا و سیما و...) در سطح ترتیبی عملیاتی شده است.

**سرمایه اجتماعی:** به عنوان مجموعه‌ای از قوانین، هنجارها، الزامات (تعهدات)، روابط متقابل و اعتماد حک شده در روابط اجتماعی، ساختارهای اجتماعی و سلسله - مراتب نهادی جامعه تعریف شده است که اعضای آن را قادر به دستیابی به اهداف

جمعی و فردی‌شان می‌سازد (کلمن، ۱۹۹۰؛ به نقل از چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۱۲۶). این سازه در ابعاد زیر عملیاتی شده است: الف) مشارکت اجتماعی (در ابعاد غیررسمی و سیاسی) در سطح ترتیبی مورد مطالعه قرار گرفته است. ب) اعتماد اجتماعی: به تأسی از ادبیات نظری (گیدنز، ۱۳۸۰) و تجربی (غفاری، ۱۳۸۳) این متغیر در سه سطح «اعتماد خانوادگی» یا «اعتماد ویژه»، «اعتماد تعمیم یافته» و «اعتماد نهادی» در سطح ترتیبی عملیاتی است. پ) روابط انجمنی: نوعی از مشارکت مدنی است که از طریق همکاری عادی یا عضویت در انجمن‌ها تحقق می‌یابد (پارکر، ۱۹۸۳: ۸۰۵). روابط انجمنی با گویه‌هایی نظیر شرکت و فعالیت در انجمن‌های مدنی فعال در میدان مورد مطالعه در سطح ترتیبی سنجیده شده است. ت) روابط رسمی- نهادی: شبکه‌های رسمی، شکلی از روابط رسمی است که بر ارتباط، حشر و نشر و مشغولیت افراد با نهادهای دولتی، نیروهای مسلح، پلیس، دادگاه و دادسراها، نمایندگان مجلس و... دلالت دارد (ذکایی و روشنفکر، ۳۸۴). ث) روابط بین فرهنگی: در این پژوهش با سنجه‌هایی مثل میزان تمایل به برقراری وصلت و ارتباط خویشاوندی با سایر اقوام، میزان تمایل به برقراری دوستی و رفاقت با سایر اقوام و... در سطح ترتیبی عملیاتی شده است.

**فضیلت مدنی:** در فلسفه سیاسی رسمی مفهوم شهروندی حاوی ایده فضیلت مدنی است که به عنوان ضرورتی برای کارکرد (عملکرد) دموکراسی در نظر گرفته می‌شود (ترنر، ۱۹۹۹: ۲۶۲-۲۶۵). پذیرش مداوم و تعقیب منافع عمومی به هزینه همه اهداف تماماً فردی و خصوصی را می‌توان معنی اصلی فضیلت مدنی نامید (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۵۷). در پژوهش حاضر، فضیلت مدنی در قالب دو متغیر عام‌گرایی و مدارای اجتماعی (به تأسی از پیتر کینگ در ابعاد سیاسی، هویتی و رفتاری) در سطح ترتیبی عملیاتی شده است.

**احساس محرومیت نسبی:** برداشت کنشگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی ارزشی آنها است (گر، ۱۳۷۷: ۵۴). این متغیر با سنجه‌های دست یافتن به حق خود، رضایت از سطح زندگی در مقایسه با دیگران، احساس توانایی

دستیابی به خواسته‌ها، میزان رضایت از موقعیت اجتماعی، رضایت از مسکن، کفاف درآمد برای زندگی و ... در سطح ترتیبی سنجیده شده است.

**هویت اجتماعی:** درک ما از این مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند. از این رو هویت مانند معنا ذاتی نیست و محصول توافق و عدم توافق است و می‌توان در باب آن نیز به چون و چرا پرداخت (جنکینز، ۱۳۸۱: ۶). در این پژوهش هویت اجتماعی به تأسی از اسمیت (۱۳۸۳) و تاملنسون (۱۳۸۱) در چهار بُعد دینی، قومی، ملی، و جهان وطنی در سطح ترتیبی سنجش شده است.

برای بالا بردن روایی پرسشنامه، مفاهیم و مقوله‌های پژوهش، ابتدا روایی صوری با بهره‌گرفتن از نقطه نظرات و مشورت تعدادی از متخصصان و پژوهش‌گران مرتبط با مسأله تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. همچنین برای بالا بردن روایی صوری پرسشنامه، تمام ابعاد و مؤلفه‌ها از منابع معتبر و موثق که دارای بار علمی فراوان بودند، استخراج گردید. برای تحلیل پایایی مقیاس‌های پرسشنامه، از ضریب پایایی یا آلفا استفاده شد. جدول (۱) نتایج تحلیل متغیرهای وابسته و مستقل را نشان می‌دهد.

جدول ۱- ضرایب پایایی مقیاس‌های مورد استفاده

ردیف	طیف	تعداد	ضریب	ردیف	طیف	تعداد	ضریب
		گویه‌ها	آلفای استاندارد- شده			گویه	آلفای استاندارد- شده
۱	حقوق فرهنگی	۶	۰/۷۴۲	۹	فضیلت مدنی	۶	۰/۸۶۳
۲	تکالیف فرهنگی	۸	۰/۸۱۲	۱۰	مذازای اجتماعی	۷	۰/۷۲۱
۳	حقوق اقتصادی	۶	۰/۷۵۸	۱۱	محرومیت نسبی	۸	۰/۸۵۷

۰/۹۲۱	۴	هویت دینی	۱۲	۰/۷۰۷	۵	تکالیف اقتصادی	۴
۰/۸۵۴	۴	هویت قومی	۱۳	۰/۷۸۱	۸	حقوق سیاسی	۵
۰/۸۸۳	۴	هویت ملی	۱۴	۰/۸۱۲	۴	تکالیف سیاسی	۶
۰/۷۹۴	۴	هویت جهان وطنی	۱۵	۰/۷۵۹	۵	رسانه‌های ارتباطی	۷
				۰/۷۳۸	۳۲	سرمایه اجتماعی	۸

### یافته‌های پژوهش

#### یافته‌های توصیفی

#### ویژگی‌های جمعیتی

جمعیت نمونه این پژوهش شامل ساکنان شهر سنندج است که بین ۲۰-۵۴ سال قرار دارد که بیشترین درصد به ترتیب مربوط به گروه سنی (۳۱-۴۰) و (۲۱-۳۰) است. میانگین سنی افراد نمونه ۳۵/۲ سال است. به لحاظ وضع تأهل، ۲۹ درصد مجرد، ۶۴ درصد متأهل، ۴/۲ درصد مطلقه بودند. از نظر سطح تحصیلات، ۱۵/۸ درصد از افراد نمونه دارای تحصیلات کمتر از دیپلم، ۲۹/۸ درصد دیپلم، ۱۰ درصد کاردانی، ۳۳/۵ درصد کارشناسی، ۹/۸ درصد کارشناسی ارشد و ۱/۳ درصد تحصیلات دکتری داشتند.

### توصیف آماری گونه‌ها و ابعاد شهروندی

جدول (۲) میانگین و انحراف معیار ابعاد و گونه‌های شهروندی را نشان می‌دهد. شهروندی در این پژوهش در ابعاد سه‌گانه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و در قالب برخورداری از حقوق و تکالیف شهروندی مورد سنجش قرار گرفته‌اند و از برآیند آن‌ها شاخص ترکیبی شهروندی ساخته شده است که بر اساس آن ۳۱/۵ درصد پاسخ‌گویان وضعیت شهروندی خود را پایین، ۴۳/۵ درصد متوسط و ۲۵ درصد در حد بالا ارزیابی کرده‌اند. میانگین شهروندی نیز ۶۲/۶ بوده که بر مبنای یک مقیاس صفر تا ۱۰۰ متوسط ارزیابی می‌شود. در میان ابعاد شهروندی، پایین‌ترین و بالاترین میانگین به ترتیب مربوط به شهروندی سیاسی (۵۱/۹) و شهروندی اقتصادی (۶۸/۱) بوده است. میانگین شاخص عمل به تکالیف شهروندی (۵۵/۲) کم‌تر از میانگین شاخص برخورداری از حقوق شهروندی (۶۱/۷) بوده است.

جدول ۲- آمارهای ابعاد و گونه‌های شهروندی

ابعاد متغیر	گزینه‌ها	فراوانی	درصد خالص	میانگین <sup>۱</sup>	انحراف معیار
شهروندی فرهنگی	کم	۵۶	۱۴	۶۷/۲	۶/۱۵۸
	متوسط	۱۷۸	۴۴/۵		
	زیاد	۱۶۶	۴۱/۵		
	جمع	۴۰۰	۱۰۰		
شهروندی اقتصادی	کم	۶۴	۱۶	۶۸/۱	۵/۷۴۲
	متوسط	۱۹۸	۴۹/۵		
	زیاد	۱۳۸	۳۴/۵		
	جمع	۴۰۰	۱۰۰		

۱- به منظور سهولت فهم، میانگین متغیر عام‌گرایی بر مبنای یک مقیاس صفر تا ۱۰۰ تنظیم شده، صفر به معنای پایین‌ترین و ۱۰۰ به معنای بالاترین میزان عام‌گرایی است.

۸/۲۳۳	۵۱/۹	۲۵/۵	۱۰۲	کم	شهروندی سیاسی
		۵۷/۳	۲۲۹	متوسط	
		۱۷/۳	۶۹	زیاد	
		۱۰۰	۴۰۰	جمع	
۸/۰۸۸	۶۱/۷	۱۴/۸	۵۹	کم	شاخص برخورداری از حقوق شهروندی
		۵۲/۵	۲۱۰	متوسط	
		۳۲/۸	۱۳۱	زیاد	
		۱۰۰	۴۰۰	جمع	
۱۰/۳۱۰	۵۵/۲	۲۲/۵	۹۰	کم	شاخص عمل به تکالیف شهروندی
		۴۶/۵	۱۸۶	متوسط	
		۳۱	۱۲۴	زیاد	
		۱۰۰	۴۰۰	جمع	
۱۷/۱۴۹	۶۲/۶	۳۱/۵	۱۲۶	کم	شاخص ترکیبی شهروندی
		۴۳/۵	۱۷۴	متوسط	
		۲۵	۱۰۰	زیاد	
		۱۰۰	۴۰۰	جمع	

برای گونه‌شناسی شهروندی با استفاده از دو شاخص برخورداری از حقوق شهروندی و عمل به تکالیف شهروندی جدول دو بعدی ترسیم کرده و نتایج آن به شرح زیر است:

گونه فعال شهروندی: همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، ۳۷ درصد افراد نمونه جهت‌گیری شهروندی فعالانه‌ای دارند. این دسته از افراد، به تکالیف شهروندی مقید بوده و قائل به برخورداری کامل و برابر از حقوق شهروندی هستند. گونه منفعل شهروندی: ۲۸ درصد افراد نمونه بر این باورند که از حقوق برابری برخوردار نیستند و نسبت به تکالیف خود هم نامقیدند. گونه تکلیف محور شهروندی:



۲۰ درصد افراد مورد بررسی معتقدند که تکالیف خود را به عنوان شهروند به درستی انجام می‌دهند ولی از حقوق برابر برخوردار نیستند. گونه حقوق محور شهروندی: ۱۵ درصد از پاسخ‌گویان بر این باورند که از حقوق شهروندی برابری با آحاد جامعه برخوردار بوده ولی نسبت به تکالیف شهروندی مقید نیستند.

جدول ۳- توزیع فراوانی و درصد گونه‌های شهروندی

حقوق		شهروندی	
نابرابر	برابر		
تکالیف محور ٪۲۰	فعال ٪۳۷	مقید	تکالیف
منفعل ٪۲۸	حقوق محور ٪۱۵	نامقید	

### توصیف آماری متغیرهای مستقل

از جمله متغیرهای مورد بررسی در پژوهش حاضر، میزان عام‌گرایی است. در ۴۴/۵ درصد افراد نمونه عام‌گرایی پایین، در ۴۷ درصد در حد متوسط و در ۸/۵ درصد عام‌گرایی بالا بوده است. میانگین این متغیر (۴۴/۲۳) بوده که بر مبنای یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰ در حد پایین ارزیابی می‌شود. در این مطالعه هویت اجتماعی در ابعاد چهارگانه هویت دینی، قومی، ملی و جهان وطنی مورد سنجش قرار گرفته است. با نظر به میانگین این ابعاد، میانگین هویت قومی، جهان وطنی و هویت دینی در سطح بالا و میانگین هویت ملی در سطح متوسط قرار دارد. از دیگر متغیرهای مورد بررسی احساس محرومیت نسبی است؛ بر مبنای یافته‌ها، میانگین این متغیر ۵۰/۷۷ بوده که در حد متوسط ارزیابی می‌شود. میانگین مدارای اجتماعی در بین شهروندان سنندجی ۶۸/۴

درصد بوده است که در سطح متوسط ارزیابی می‌شود. در ۱۲/۳ درصد افراد نمونه مدارای اجتماعی پایین، در ۵۶/۵ درصد متوسط و در ۳۱/۳ درصد بالا بوده است. میانگین شاخص سرمایه اجتماعی در بین افراد نمونه ۵۰/۰۶ بوده که در حد متوسط قرار دارد. بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی از دیگر متغیرهای مورد بررسی بود. بر مبنای میانگین (۵۱/۱۶ درصد)، بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی در بین افراد نمونه در حد متوسط قرار دارد. از دیگر متغیرهای مورد بررسی، منابع در دسترس بود. میزان دسترسی به منابع در ۵۰/۳ درصد افراد نمونه پایین، در ۴۱ درصد متوسط و در ۸/۸ درصد بالا بوده است. میانگین آن ۵۰/۴۱ است که در حد متوسط ارزیابی می‌شود.

جدول ۴- توزیع فراوانی و درصدی متغیرهای مستقل

متغیر	میانگین	انحراف معیار	متغیر	میانگین	انحراف معیار
عام گرایی	۴۴/۲۳	۴/۳۵۷	احساس محرومیت نسبی	۵۰/۷۷	۶/۳۱۲
هویت دینی	۷۶/۵۸	۳/۶۹۲	مدارای اجتماعی	۶۸/۴	۸/۷۷
هویت قومی	۸۲/۴۵	۲/۵۱۴	سرمایه اجتماعی	۵۰/۰۶	۱۶/۷۹۸
هویت ملی	۶۵/۱۵	۳/۶۳	بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی	۵۱/۱۶	۶/۴۵۲
هویت جهان وطنی	۸۲/۴	۲/۳۰۳	منابع در دسترس	۵۰/۴۱	۸/۸۹۵

### یافته‌های تبیینی

#### تحلیل دو متغیره

بر اساس نتایج تحلیل‌های دو متغیره در جدول (۵) شاخص شهروندی با متغیرهای عام‌گرایی، هویت اجتماعی در ابعاد دینی، قومی، ملی، و جهان وطنی، مدارای اجتماعی، سرمایه اجتماعی، بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی، و منابع در دسترس رابطه مستقیم و با متغیر احساس محرومیت نسبی رابطه معکوس دارد.

جدول ۵- ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل با شاخص شهروندی

متغیرها	مقدار کندال	سطح معناداری	مقدار کاسکور	سطح معنی داری
عام‌گرایی	۰/۱۱۹	۰/۰۰۳	۱۱/۱۱۴	۰/۰۰۱
احساس محرومیت نسبی	-۰/۱۴۹	۰/۰۰۲	۱۶/۰۳۵	۰/۰۰۳
هویت دینی	۰/۲۵۷	۰/۰۰۰	۳۲/۹۲۷	۰/۰۰۰
هویت قومی	۰/۲۲۹	۰/۰۰۰	۸۰۵/۳۷	۰/۰۱
هویت ملی	۲۲۱/۰	۰/۰۰۰	۲۹۳/۲۶	۰/۰۰۰
هویت جهان وطنی	۱۹۹/۰	۰/۰۰۰	۲۹۹/۲۱	۰/۰۰۰
مدارای اجتماعی	۱۴۰/۰	۰/۰۰۲	۵۱۴/۱۶	۰/۰۰۲
سرمایه اجتماعی	۲۴۷/۰	۰/۰۰۰	۷۲۸/۳۳	۰/۰۰۰
بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی	۱۶۲/۰	۰/۰۰۰	۴۵۶/۲۳	۰/۰۰۰
منابع در دسترس	۳۳۲/۰	۰/۰۰۰	۰۷۶/۶۴	۰/۰۰۰

### تحلیل رگرسیونی چند متغیره عوامل مرتبط با شهروندی

نتایج تحلیل رگرسیون در جدول (۶)، برای شهروندی نشان می‌دهد که در مرحله اول متغیر منابع در دسترس وارد معادله می‌شود که به تنهایی ۵۰/۷ درصد تغییرات متغیر وابسته (شهروندی) را تبیین کرده است. با توجه به این که ضریب بتای این متغیر از همه ضرایب بتا بیشتر است، بیشترین اثر را بر روی متغیر وابسته داشته است. با اضافه شدن متغیرهای هویت ملی و هویت قومی به ترتیب، قدرت تبیین معادله به ۵۷/۸ درصد و ۶۱/۷ درصد می‌رسد. با اضافه شدن متغیر سرمایه اجتماعی، قدرت تبیین معادله به ۶۳/۴ درصد می‌رسد، همچنین با اضافه شدن متغیر بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی قدرت تبیین معادله به ۶۴/۵ درصد افزایش یافته است و با اضافه شدن متغیر احساس محرومیت نسبی قدرت تبیین معادله به ۶۵/۴ درصد افزایش یافته است. در کل می‌توان گفت که شش متغیر مستقل باقی مانده در معادله ۶۵/۴ درصد تغییرات شهروندی را تبیین می‌کنند.

جدول ۶- نتایج تحلیل رگرسیون شهروندی

متغیرها	B	Se	Beta	t	Sig	مقدار R تجمعی Square
منابع در دسترس	۱/۸۲۴	۰/۲۰۲	۰/۴۱۶	۹/۰۲۶	۰/۰۰۰	۰/۵۰۷
هویت ملی	۱/۷۸۸	۰/۲۷۶	۰/۳۸۶	۷/۵۶۱	۰/۰۰۰	۰/۵۷۸
هویت قومی	۰/۱۵۵	۰/۰۴۷	۰/۲۶۲	۶/۴۶۸	۰/۰۰۰	۰/۶۱۷
سرمایه اجتماعی	۰/۲۱۵	۰/۰۸۵	۰/۲۱۸	۳/۳۳۸	۰/۰۰۱	۰/۶۳۴
وسایل ارتباط جمعی	۰/۱۸۳	۰/۱۱۵	۰/۱۲۹	۳/۰۸۲	۰/۰۰۲	۰/۶۴۵
احساس محرومیت نسبی	-۰/۱۴۱	۰/۱۲۱	-۰/۱۰۱	-۲/۵۲۶	۰/۰۱۲	۰/۶۵۴
مقدار ثابت	۶۴/۱۸۷	۵/۳۴۰	-	۱۳/۵۱۸	۰/۰۰۰	-

## بحث و نتیجه‌گیری

در این نوشتار بر مبنای آثار نظری و تجربی مرتبط با شهروندی، ۷ فرضیه مطرح و مورد آزمون قرار گرفت. فرضیات تحقیق در سطح معناداری و شدت بالا در مرحله اول بررسی مورد تأیید قرار گرفتند، هر چند برخی از متغیرها رابطه ضعیفی با گونه‌ها و ابعاد شهروندی نشان دادند. تعدادی از فرضیات در مرحله دوم تبیین، یعنی بررسی رابطه متغیرهای مستقل با شهروندی به وسیله تحلیل رگرسیونی چندمتغیره، بررسی نشدند، نتایج نشان داد که رابطه مستقل و معنادار و قابل قبولی با گونه‌ها و ابعاد شهروندی ندارند. طبعاً بر مبنای این تحلیل‌ها این سؤال پیش می‌آید که تا چه اندازه دستگاه مفهومی و نظری، در تبیین وضعیت شهروندی در بین نمونه‌ای از شهروندان سندجی از قدرت تبیین برخوردار است؟ البته باید در نظر گرفت که سطح تحلیل در این تحقیق، خرد و واحد تحلیل آن فرد بوده و فرضیات مطرح شده نیز در این سطح بوده‌اند.

بر مبنای یافته‌های توصیفی، میانگین عمل به تکالیف شهروندی در بین افراد نمونه پایین‌تر از میانگین برخورداری از حقوق شهروندی بوده است. واکاوی گونه‌های شهروندی نشان داد که فقط در بین ۳۷ درصد از پاسخگویان، شهروندی فعال گونه غالب بوده است. از آنجایی که توسعه جامعه در گرو فعال بودن و مشارکت همه جانبه شهروندان است، پایین بودن گونه فعال شهروندی مانعی بر سر راه توسعه همه جانبه جامعه خواهد بود. این امر همچنین موجب ایجاد عدم تعادل بین نحوه برخورداری از وضعیت حقوق شهروندی و میزان انجام تکالیف شهروندی می‌گردد. سایر گونه‌های شهروندی (منفعل، حقوق‌محور، و تکلیف‌محور) کنش‌ورزی مدنی و سیاسی شهروندان را دچار آسیب نموده و چندپارگی اجتماعی و قومی را تشدید و توسعه جامعه را مختل می‌نماید. بر مبنای ادبیات نظری، از الزامات برخورداری از حقوق شهروندی و به تبع آن عمل به تکالیف شهروندی دسترسی به منابع مقوم شهروندی است. در چارچوب

دستگاه مفهومی ترنر، یکی از عواملی که شهروندی را به مخاطره می‌افکند، احساس فقر و نداری است. این احساس سبب می‌شود تا آن‌ها نسبت به عضویت در جماعت ملی تمایل نشان ندهند و تعهدی برای عضویت در جماعت ملی احساس نکنند (ترنر، ۱۹۹۹: ۲۶۸). این بدان معنی است که میزان محرومیت شهروندان آنان را از انجام تکالیف و نیز حقوق شهروندی دور می‌سازد. به زعم ترنر، شهروندی به گروه‌های مختلف، امکان دسترسی به منابع کمیاب را می‌دهد و تنوع فرهنگی را ممکن می‌سازد (همان، ۲۶۲). یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بین میزان احساس محرومیت و شهروندی رابطه‌ای معکوس وجود دارد و با افزایش منابع در دسترس افراد، آگاهی از حقوق و عمل به تکالیف شهروندی افزایش می‌یابد.

بر مبنای یافته‌های توصیفی، میانگین احساس محرومیت نسبی و میانگین منابع در دسترس (اقتصادی، فرهنگی و سیاسی) در بین نمونه‌ای از شهروندان سنندجی در سطح متوسط (۵۰ درصد) است و این مسأله مانع جدی بر سر شناخت حقوق و عمل به تکالیف شهروندی به‌شمار می‌آید. اگر شهروندان قائل به بهره‌مندی از حقوق شهروندی باشند نسبت به تکالیف شهروندی نیز پایبند خواهند بود و زمینه برای تحقق و تعمیم شهروندی فعال مهیا خواهد شد. بر مبنای شاخص‌های توسعه، استان کردستان (سنندج به عنوان مرکز استان کردستان) در رتبه ۲۸ قرار دارد و توسعه نیافته محسوب می‌شود. توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها، و بسط تقسیم کار اقتصادی به مناطق گردنشین، در تعدیل احساس محرومیت نسبی مؤثر است.

بر مبنای مفروضات نظری پژوهش حاضر، ابعاد و گونه‌های شهروندی از سرمایه اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. نتایج بررسی نشان داد که بین سرمایه اجتماعی افراد نمونه با شهروندی همبستگی مثبت و مستقیمی وجود دارد. این نتیجه، با یافته‌های مطالعات کبیری (۱۳۹۲)، ملاپور (۱۳۹۲) و سونجا ازمرلی (۲۰۱۰) همخوانی دارد. بر مبنای یافته‌های توصیفی، سرمایه اجتماعی پاسخ‌گویان در سطح متوسط قرار دارد. علاوه بر این، سرمایه اجتماعی شهروندان عمدتاً محصور در اعتماد شخصی (ویژه) است. روابط

نهادی و انجمنی در میان پاسخ‌گویان سنندجی ضعیف است. به بیان دیگر، شهروندان تمایل کمی به پیگیری مشکلات شخصی و عمومی خود از طریق دستگاه‌های اداری و اجرایی دارند و مشارکت و حضور فعالانه در انجمن‌ها و اجتماعات مدنی پایین است. این امر عاملی بازدارنده بر سر راه قوام و دوام شهروندی به‌شمار می‌آید. شواهد و قرائن نشان‌گر آن است که امکان حضور، مشارکت و به‌کارگیری شهروندان سنندجی در مناصب اداری و اجرایی بویژه در مناصب مدیریتی در سطوح میانی و کلان بسیار نازل است. گردش نخبگان در مناطق قومی با دشواری‌های جدی همراه است و سهم نیروهای بومی در مدیریت‌های استراتژیک در سطح استان، منطقه و ملی پایین است. میل به مشارکت سیاسی در سطوح بالای آن به یک مطالبه جدی مبدل شده است. در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، میانگین مشارکت در استان کردستان ۵۹ درصد بوده است که ۷۳ درصد آن به منشور شهروندی که ناظر بر گسترش و تعمیق شهروندی بود رأی مثبت دادند. میل به مشارکت به مثابه وجود زمینه‌های مساعد همگرایی، عملیاتی شدن و تحقق ظرفیت‌های مندرج در قانون اساسی که ماهیت ادغامی و دربرگیرنده دارد را می‌طلبد. بدلیل نقش و جایگاه نهادهای مدنی در تلطیف رویکردهای محلی و خاص‌گرایانه و بسط تعلقات جمعی عام ضرورت دارد زمینه‌های ساختاری ایجاد انجمن‌ها و نهادهای مدنی در موضوعات مختلف شهروندی مهیا شود. کم هزینه ساختن حضور و فعالیت نهادهای مدنی، مردم را به مشارکت و فعالیت در نهادهای ترغیب می‌کند و تعلقات و دغدغه‌ها و حساسیت‌های عمومی را در میان شهروندان بیش از پیش تقویت می‌نماید.

یکی دیگر از فرضیه‌های تحقیق، در مورد تأثیرپذیری گونه‌ها و ابعاد شهروندی از وسایل ارتباط جمعی بود. یافته‌ها مؤید رابطه مثبت بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی افراد نمونه با شهروندی بود. ترنر، جایگاه ویژه‌ای برای رسانه‌های جمعی در بسط شهروندی قائل است؛ چرا که هم چون واسطه‌ای آگاهی اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (ترنر، ۱۹۹۰: ۱۸۹-۲۱۷). نتایج حاصله مؤید تحقیقات کیان پور (۱۳۸۵) و عبدی (۱۳۸۶) نیز است. بر این اساس، وسایل ارتباط جمعی مردم را به سوی

شهروندانی فعال و مؤثر در راستای پیشبرد اهداف جامعه سوق می‌دهد. با نگاه به یافته‌های توصیفی می‌توان گفت که میانگین بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی در حد متوسط (۵۱/۰۹) است. در این میان، میانگین بهره‌گیری از مجاری نوین ارتباطی و اطلاعاتی (ماهواره، فیس‌بوک، و اینترنت) در پیگیری اخبار و اطلاعات بیش‌تر از برنامه‌های صدا و سیما و جراید داخلی است. حضور فعالانه شبکه‌ها و رسانه‌های داخلی در فضای مجازی، گسترش و ارتقای پهنای باند اینترنت، متنوع ساختن برنامه‌های صدا و سیما و انعکاس مطالبات و دغدغه‌های شهروندان با در نظر گرفتن جنسیت، قومیت، مذهب، سن و... در برنامه‌ریزی شبکه‌های داخلی، افزایش سهم برنامه‌هایی با موضوع آگاهی شهروندی و آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی، توزیع و امکان دسترسی به موقع به نشریات (روزنامه و مجلات مختلف)، تقویت و حمایت از نشریات بومی و محلی می‌تواند میزان بهره‌مندی از شبکه‌ها و مجاری داخلی را بالا ببرد و به ارتقای فرهنگ شهروندی کمک نماید.

از دیگر فرضیه‌های مطالعه حاضر، معطوف به رابطه عام‌گرایی و مدارای اجتماعی به مثابه ابعاد فضیلت مدنی با شهروندی بود. تأیید رابطه عام‌گرایی و مدارای اجتماعی با شهروندی، مؤید دستگاه مفهومی پارسونز و ترنر است. از نظر پارسونز، لازمه بسط شهروندی، توسعه الگوی کثرت‌گرایی (عام‌گرایی) در برابر خاص‌گرایی است. ترنر نیز گستره شهروندی را در رابطه با فضیلت مدنی مفهوم سازی نموده است. به زعم او، در اجتماع، افراد با شهروند شدن هویتی کسب کرده و دارای فضیلت مدنی می‌شوند. یافته‌های توصیفی مطالعه حاضر گویای آن است که با وجود وضعیت متوسط به بالای (۶۸/۴) مدارای اجتماعی در ابعاد سیاسی، هویتی و رفتاری میانگین عام‌گرایی در نزد افراد نمونه پایین (۴۴/۲۳) ارزیابی می‌شود. به بیان دیگر با وجود به رسمیت شناختن حق اعتراض و گردهمایی برای گروه‌های مخالف، سخت‌گیری پایین نسبت به برخی از الگوهای رفتاری نادرست و احترام به هویت اجتماعی افراد، گروه‌ها، اقوام و ملیت‌های مختلف، در ۴۴/۵ درصد از پاسخگویان منافع و خواسته‌های شخصی و قومی بر منافع و



مصالح عمومی اولویت دارد و این مسأله مانع جدی بسط نسبی‌گرایی ارزشی و کنشی و تقویت‌کننده خاص‌گرایی و محلی‌اندیشی است که تعهد اجتماعی تعمیم‌یافته را نسبت به شهروندان خدشه دار می‌نماید. در همین راستا با شناسایی آن بخش از بنیان‌های فرهنگی و دینی که مروج آموزه‌ها و اصول برابرگرایانه و متساهلانه بوده و ترویج ابعاد اجتماعی و دربرگیرنده آموزه‌های مذکور می‌توان جهت‌گیری‌های عام‌گرایانه را تقویت و خاص‌گرایی را تلطیف نمود. نظر به بافت قومیتی میدان مورد مطالعه، که با نوعی دوگانگی ارزشی و کنشی در محیط‌های خویشاوندی و قومیتی و عرصه‌های عمومی و رسمی همراه است، ضرورت دارد تا در فرآیند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری در خانواده، مدرسه و دانشگاه، به نحوی عمل شود که نگرش‌های عام‌گرایانه تقویت شود. به موازات سویه‌های آموزشی و فرهنگی، اقدامات عملی در جهت درگیرساختن فراینده گروه‌های مختلف در امور عمومی و حوزه‌های رسمی در سطوح مختلف ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر این، می‌توان با برگزاری جشنواره‌های فرهنگی ظرفیت‌ها و مخرج مشترک‌های بین فرهنگی اقوام را معرفی و زمینه را برای آشنایی و مفاهمه بیشتر اقوام فراهم کرد.

افراد با شهروند شدن، وارد مجموعه‌ای از نهادها می‌شوند که به آن‌ها حقوق و وظایف شده اعطا می‌شود و هویت اجتماعی کسب می‌کنند و به اعضای یک جامعه سیاسی با یک سرزمین و تاریخ خاص در می‌آیند. به بیان دیگر، تعلقات و وابستگی به اجتماع سیاسی پدید می‌آید. هویت شهروندی به اعضای اجتماع دولت-ملت، هویت ملی می‌دهد. فرهنگ ملی مشخصات مذهب مدنی را دارد و از این‌رو شهروندی مدرن شکلی از همبستگی اجتماعی به‌شمار می‌رود (ترنر، ۱۹۹۹: ۲۶۵-۲۶۶). در این پژوهش هویت اجتماعی در ابعاد چهارگانه هویت ملی، قومی، دینی و هویت جهان‌وطنی عملیاتی شد. نتایج بررسی نشان داد که ابعاد چهارگانه هویت اجتماعی ارتباط مستقیم و معناداری با شهروندی داشته‌اند. هویت‌های دینی، ملی و جهان‌وطنی مروج عام‌گرایی بوده و هویت‌های قومی بدلیل ماهیت مطالبه‌محور و پیگیری حقوق شهروندی ماهیت

ادغامی و همگرایانه داشته و تسهیل‌گر شهروندی است. این یافته مؤید نتایج تحقیق تجربی عبدی (۱۳۸۶) نیز بوده است.

می‌توان برای پرورش شهروندانی آگاه و فعال به آموزش فرهنگ شهروندی نیز همت گماشت و نحوه مشارکت جویی، افزایش مدارای اجتماعی و عام‌گرایی را در سطوح گوناگون به آن‌ها آموزش داد. فرهنگ شهروندی حاصل تجربه مستقیم و روزمره و صرفاً خودانگیخته افراد نیست بلکه محصول مستقیم آموزش و فرهنگ سازی است. فلسفه بنیادین آموزش‌های مذکور این باور است که برای تغییر رفتارها باید از آگاهی‌ها و نگرش‌های افراد شروع نمود. در این خصوص می‌توان دوره‌های آموزش شهروندی را با همکاری دستگاه‌های ذیربط اجرا نمود (همتی و احمدی، ۱۳۹۲: ۱۷۶). در سطحی بالاتر و ماندگارتر، آموزش شهروندی فعال به عنوان یکی از دروس پایه در مقاطع مختلف تحصیلی نیز می‌تواند راه‌گشا باشد. آموزش شهروندی عامل مهمی در نهادینه شدن حقوق شهروندی است. آموزش شهروندی منجر به تحکیم و تقویت نظام ارزشی مهارت‌های شهروندی در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت پایدار شهروندان می‌گردد (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۴۱). برای تحقق شهروندی فعال و آشنایی شهروندان به حقوق و وظایف خود، وسایل ارتباط جمعی، به خصوص برنامه‌های صدا و سیما ملی و محلی جهت رشد آگاهی‌های شهروندی می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد.

## منابع

- اسکافی، مریم. (۱۳۸۶). بررسی میزان آگاهی جوانان از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در مشهد. مجله علوم اجتماعی، شماره ۳.
- اسمیت، آنتوتی، دی. (۱۳۸۳). ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ. ترجمه منصور انصاری، تهران: موسسه مطالعات ملی.

- بخارایی و همکاران. (۱۳۹۴). تحلیل رابطه جامعه‌شناختی سبک زندگی و گرایش به حقوق شهروندی. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و ششم، شماره ۴.
- پناهی، محمد حسین. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- تاملینسون، جان. (۱۳۸۱). جهانی شدن و فرهنگ. ترجمه محسن حکیمی، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- توسلی، غلام عباس و نجاتی حسینی، محمود. (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲.
- جنکینز ریچارد. (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- چلبی، مسعود و مبارکی، محمد. (۱۳۸۴). تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان. مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲.
- حاج زاده، مصطفی و منصور، اعظم. (۱۳۹۲). سنجش میزان آگاهی عمومی به حقوق شهروندی در استان خراسان شمالی. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال چهارم، شماره دوازدهم.
- ذکایی، محمد سعید و روشنفکر، پیام. (۱۳۸۴). رابطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محلات شهری. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۱). شهروندی و رفاه اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۴.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۱). تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان، شماره ۳.
- شیانی، ملیحه و سپهوند، ابرهیم. (۱۳۹۳). رابطه کمی و کیفی برنامه‌های تلویزیون و آگاهی از حقوق شهروندی. رفاه اجتماعی، شماره ۵۴.

- عبدی، ولی. (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی. (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- عزیزاده اقدم، محمد باقر؛ ربانی، رسول و مبارم بخشایش، مرتضی. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و احساس محرومیت بر سلامت شهروندان. (مطالعه موردی شهر اصفهان). فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۵.
- عظیمی، غلامرضا و شایسته مجد، عالیه. (۱۳۸۹). مفهوم سازی از ایده شهروندی (مطالعه دانشجویان دانشگاه‌های تهران). فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی ایران، شماره ۳.
- غفاری نسب، اسفندیار. (۱۳۹۱). نقش شهروندی فعال در بهبود کیفیت زندگی، مطالعات شهری، شماره ۲.
- غیاثوند، احمد. (۱۳۹۴). گونه‌شناسی شهروندی در ایران؛ فرصت‌ها و تهدیدهای آن. علوم اجتماعی، شماره ۶۸.
- فالکس، کیت. (۱۳۹۰). شهروندی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: کویر.
- فتحی، سروش و ثابتی، مریم. (۱۳۹۱). توسعه‌ی ساختار سازمانی شهری و گسترش فرهنگ شهروندی. فصلنامه مطالعات شهری، سال ۲، شماره ۲.
- فتحی، سروش و مختاریپور، مهدی. (۱۳۹۰). توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۷، شماره ۴.
- فیتزپتریک، تونی. (۱۳۸۱). نظریه رفاه. ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: گام نو.
- کاستلز، استفان قادرزاده، امید. (۱۳۸۸). هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- دیویدسون، آلیستر. (۱۳۸۲). مهاجرت و شهروندی، ترجمه فرامرز تقی‌لو، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- کبیری، رضا. (۱۳۹۲). تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی فرهنگی شهروندان. (مطالعه موردی شهر تنکابن). پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور مرکز غرب، تهران.
- کیانپور، کامران. (۱۳۸۵). بررسی رابطه‌ی بین عوامل اجتماعی- فرهنگی با میزان آگاهی معلمان از حقوق شهروندی در شهر بروجن. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.
- گر، تد رابرت. (۱۳۷۷). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند. ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰). پیامدهای مدرنیت. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- گنجی، محسن؛ نیازی، محسن؛ اسلامی برزکی، زهرا (۱۳۹۴). نقش سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی در میزان احساس شهروندی، فصلنامه جامعه‌شناختی شهری، سال ۶، شماره ۱۷.
- محسنی، رضا علی. (۱۳۸۹). ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی؛ راه‌کارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی. سال ۳، شماره ۱۰.
- محمدزاده، حسین. (۱۳۹۰). عوامل مرتبط با انواع قوم‌گرایی در میان گردهای ایران، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- محمدی، محمدعلی؛ شینانی، ملیحه؛ روشن‌فکر، پیام. (۱۳۸۹). عوامل مرتبط با هویت شهروندی در شهر تهران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸.
- ملاپور، رضا. (۱۳۹۲). بررسی میزان آگاهی شهروندی در میان معلمان. (مطالعه موردی معلمان منطقه ۱۱ تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز غرب، تهران.
- هاشمیان‌فر، سید علی و گنجی، محمد. (۱۳۸۸). تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان. جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۰، شماره ۱.

- هزارجریبی، جعفر و امانیان، ابوالفضل. (۱۳۹۰). آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال ۳، شماره ۹.
- همتی، رضا و احمدی، وکیل. (۱۳۹۲). تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین کننده آن. (مورد مطالعه: شهر ایوان). فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۸.
- هیوود، اندرو. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر نظریه سیاسی. ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: انتشارات قومس.
- یوسفی، علی و عظیمی هاشمی، مزگان. (۱۳۸۸). احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳ و ۴.
- Alexander, J. (1998) "The Binary Discourse of Civil Society". In Seidman, S & Alexander, J. (eds) *The New Social Theory Reader*, London: Sage.
- Ezmerli, S. (2010) "Social Capital and Norms of Citizenship: An Ambiguous Relationship?", *American Behavioral Scientist*, 53. (657).
- Docherty, I. Goodlad, R & Paddison R. (2001). Civic culture community and citizen participation in contrasting neighbourhoods, *Urban studies*, 38. (12):2225-2250.
- Turner, B.S. (2000). *Islam, Civil Society and Citizenship*. Syracuse university press
- Turner, B.S. (2001). The Erosion of Citizenship. *British Journal of Sociology*, 52, 2, 189-209.
- Turner, B.S & Hamilton, P. (1994). *Citizenship: Critical Concepts*. London: Routledge.

- Turner, B.S. (1994). Commentary. in Citizenship Rights: A Critical Concept. (Vol. 1), ed. By Bryan. S. Turner and Peter Hamilton, London and New York: Routledge.
- Turner, B.S. (1999). Classical Sociology, London: Sage Publications Inc.
- Turner, B.S. (1990). Outline of a Theory on Citizenship. Sociology. 24 (189-218).



پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی